

کشته شدن ملا اختر؛ سناریوها و پیامدها

دکتر طیبه واعظی*

اشاره:

کشته شدن ملا اختر منصور رهبر طالبان در حملات پهپادهای آمریکا در بلوچستان پاکستان در اول خردادماه وضعیت پیچیده‌ای را رقم زده است که می‌تواند معادلات داخلی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. مضامین ضمنی حمله آمریکا برای پاکستان، پیامدهای مرگ ملا اختر بر مذاکرات صلح، آینده امنیت در افغانستان و دولت داخلی، تأثیر تحولات داخلی طالبان بر آینده پیشروی داعش در افغانستان و اتهامات مطرح شده بر ضد ایران در خصوص همکاری با طالبان مهمترین ابعادی هستند که در پرتو این رویداد قابل بررسی هستند.

مقدمه

شامگاه یکم خردادماه وزارت دفاع آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد خودروی حامل ملا اختر رهبر طالبان را به دستور باراک اوباما در شاهراه ارتباطی ایران به پاکستان و در منطقه بلوچستان مورد هدف پهپادهای خود قرار داده که در اثر این حمله وی جان باخته است. روز سوم خرداد باراک اوباما و سپس جان کری وزیر امور خارجه آمریکا، از اقدام خود دفاع کرده و آن را اقدامی مهم و جدی و تنها راه برای برگرداندن صلح به افغانستان نامیدند که باید به عنوان اهرم فشاری علیه طالبان برای برقراری مذاکرات صلح مورد استفاده قرار گیرد. به عقیده آنها ملا اختر مانع بزرگی در برابر صلح به شمار می‌آمد. این اظهار نظر همچنین از سوی دبیرکل ائتلاف نظامی ناتو نیز مورد تأیید قرار گرفت. در این میان مقامات پنتاگون نیز کشتن ملا اختر را از آن رو توجیه کردند که

به عقیده آنها او در حال طراحی حملاتی قریب الوقوع علیه آمریکا و نیروهای ائتلاف در افغانستان بود.

در این میان، وزارت خارجه دولت پاکستان در واکنش به مرگ رهبر طالبان و حملات پهپادی آمریکا ضمن انتشار بیانیه‌ای این حملات را تعرض به خاک پاکستان دانست و آمریکا را به مداخله در روند صلح افغانستان متهم کرد. وزارت امور خارجه پاکستان همچنین اعلام کرد که در محل حمله پهپاد آمریکایی به خودروی حامل ملا اختر محمد منصور، پاسپورتی با نام جعلی ولی محمد و عکس ملا اختر پیدا شده که نشان می‌دهد حامل آن به ایران سفر کرده است. پس از آن برخی منابع غربی مدعی شدند که وی تقریباً یک هفته قبل از کشته شدن، به مدت دو ماه در ایران حضور داشته و در این مدت مذاکراتی را در خصوص جلوگیری از پیوستن بدنه طالبان به داعش، جلوگیری از گسترش داعش به ویژه در مرزهای شمالی افغانستان و مرز افغانستان-تاجیکستان و قاچاق مواد مخدر با نهادها و دستگاه‌های مختلف در ایران انجام داده است که البته ورود این شخص به ایران و انجام مذاکره اساساً از سوی وزارت خارجه ایران تکذیب شد.

در هر حال گروه شبه‌نظامی طالبان که ابتدا ضمن تکذیب خبر مرگ ملا اختر آن را شایعه‌ای برای تضعیف روحیه طالبان توسط کابل و آمریکا می‌دانست با گذشت چند روز این خبر را تأیید و

بلافاصله از میان چند گزینه، سراج‌الدین حقانی، ملا یعقوب، ملا شیرین و ملا هیبت‌الله آخوندزاده، اقدام به انتخاب رهبر جایگزین کرد و آخرین گزینه یعنی ملا هیبت‌الله آخوندزاده را که بسیاری از اعضای طالبان، وی را یک عالم و معلم مذهبی و چهره‌ای نسبتاً ناشناخته می‌شناسند به عنوان رهبر طالبان و سراج‌الدین حقانی را به عنوان جانشین آن برگزید. ملا هیبت‌الله در زمان حکومت طالبان، ریاست یک مدرسه دینی را بر عهده داشته است.

با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت کشته‌شدن ملا اختر به دلایل متعدد در شرایط کنونی رویدادی بسیار مهم است. سرعت شتابان و پیچیدگی روندهای داخلی افغانستان، بی‌نتیجه ماندن مبارزه ۱۴ ساله سربازان خارجی برای بازگرداندن ثبات و امنیت به این کشور، افزایش منازعات و انشعابات در طالبان پس از مرگ ملا عمر، اختلافات داخلی دولت وحدت ملی، بی‌اعتمادی مردم افغان به حکومت مرکزی، فراهم‌شدن زمینه برای نفوذ داعش در این کشور از جمله شرایطی هستند که این رویداد را بسیار حائز اهمیت می‌سازند. بر همین اساس به نظر می‌رسد مرگ منصور پرسش‌ها و چالش‌های مهمی را فراروی آینده طالبان و داعش در افغانستان، روابط پاکستان و آمریکا، آینده مذاکرات صلح و وجهه بین‌المللی ایران در منطقه ایجاد می‌کند. از آنجا که چگونگی تأثیرگذاری مرگ ملا اختر بر شرایط امنیتی داخلی و منطقه‌ای تا حد زیادی به درک واقعیت و چگونگی وقوع این رویداد مرتبط است در ادامه ابتدا به بررسی ابعاد فوق می‌پردازیم و سپس پیامدهای این رویداد را برای طالبان و منطقه ارزیابی خواهیم کرد.

بازیگران درگیر در مرگ ملا اختر: انگیزه‌ها و تمایلات

از مسائل مهمی که می‌تواند چگونگی سناریوهای مربوط به آینده امنیت منطقه را رقم بزند، شناسایی بازیگران درگیر در مرگ ملا اختر و تمایلات آنهاست. طی یک ماه گذشته گمانه‌زنی‌های گوناگونی نسبت به چگونگی شناسایی و تشخیص خودروی حامل ملا اختر توسط پهبادهای آمریکایی صورت گرفته است. صرف‌نظر از منابعی که این اقدام را اساساً آمریکایی و مبتنی بر فعالیت نیروهای اطلاعات و جاسوسی آمریکایی می‌دانند برخی منابع نیز بسته به نوع گرایش‌شان، آن را به همکاری اطلاعاتی ایران یا پاکستان با آمریکا نسبت داده‌اند. برای مثال گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان این مسئله را به ایران نسبت داده و مدعی شده است که ایران در همکاری

اطلاعاتی مخفیانه با آمریکا اقدام به افشای موقعیت ملا اختر نموده است.

پاکستان وضعیتی به مراتب پیچیده‌تر دارد زیرا با کشته‌شدن ملا اختر این سومین رهبر یک گروه تروریستی - پس از بن لادن و ملا عمر - است که در خاک این کشور به سرنوشت مرگ دچار می‌شود و این مسئله نکات مهمی را در خصوص صداقت پاکستان در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی مطرح می‌کند. در چنین شرایطی می‌توان دو فرض را برای مشارکت پاکستان در مرگ ملا اختر در نظر گرفت که هر یک انگیزه‌های خاصی را به همراه دارد.

فرض اول: پاکستان از قصد آمریکا

برای کشتن ملا اختر مطلع بوده و در این زمینه با آمریکا همکاری اطلاعاتی داشته است: در صورت صحت این فرض می‌توان انگیزه‌های مختلفی را در تصمیم پاکستان به مشارکت با آمریکا در مرگ ملا اختر دخیل دانست. برخی از مهمترین این انگیزه‌ها عبارتند از:

۱. تلاش برای بازسازی روابط با آمریکا. توضیح اینکه در ماه‌های گذشته به رغم تلاش‌های لابی پاکستانی، کنگره این کشور با اعطای کمک‌های مالی نظامی به پاکستان برای خرید جنگنده‌های اف-۱۶ مخالفت و تصویب این کمک‌ها را به بهبود نقش این کشور در مبارزه با تروریسم منوط کرد. در واکنش به این اقدام کنگره، مقامات پاکستان آمریکا را تهدید کردند که امکانات مورد نیاز صنایع دفاعی خود را در جای دیگر (روسیه) دنبال خواهند کرد. با این حال به نظر می‌رسد وابستگی همیشگی پاکستان به منابع کمک مالی آمریکا از یک سو و ترس از نزدیکی بیشتر آمریکا به رقبای منطقه‌ای مثل هند باعث شده تا این کشور



خواهان بهبود روابط خود با آمریکا از طریق همکاری اطلاعاتی تلاش کند.

۲. انگیزه پاکستان از همکاری در قتل

ملا اختر را می‌توان در نارضایتی پاکستان از مسئله همکاری ایران، افغانستان و هند در بندر چابهار نیز جستجو کرد. در چنین حالتی پاکستان که تا پیش از این خود را تنها دروازه ورود هند به افغانستان و آسیای میانه و پل ارتباطی شمال به جنوب و همچنین کانال انتقال ادوات جنگی ناتو به افغانستان می‌دانست اکنون با امضای موافقتنامه همکاری هند و ایران و افغانستان در چابهار خود را در خطر انزوای می‌بیند و این موافقتنامه را تهدیدی مستقیم علیه امنیت پاکستان می‌داند و بر این اساس به دنبال آن است که با گسترش آشوب و ناامنی در افغانستان برای هر دو کشور هم‌جوار رقیب خود یعنی ایران و هند ناامنی‌ها را تشدید و مانع همکاری آنها شود. این فرض را می‌توان به عنوان انگیزه‌ای برای در مظان اتهام قرار دادن ایران به عنوان مقصد سفر ملا اختر از سوی پاکستان هم تصور کرد.

۳. این انگیزه که بیش از دو انگیزه قبلی اهمیت دارد به احتمال نارضایتی پاکستان از عملکرد طالبان و تلاش برای جایگزین و تقویت کردن داعش به جای طالبان در افغانستان مربوط است. در قالب این فرض پاکستان از عملکرد ملا اختر به عنوان یکی از عوامل مستقیم اطلاعاتی خود ناراضی بوده و از این طریق تلاش می‌کند با تضعیف جایگاه طالبان عملکرد داعش را در سطح فراتر قرار دهد. در چنین شرایطی حتی می‌توان تصور کرد که سازمان اطلاعات پاکستان و آمریکا به درک متقابل جدیدی از شرایط رسیده‌اند که بر مبنای آن و در فرض خوش‌بینانه

خواهان بهبود شرایط به نفع مذاکرات صلح افغانستان از طریق تضعیف طالبان تندرو و همکاری با طالبان اهل سازش و در فرض بدبینانه خواهان تضعیف طالبان به نفع داعش هستند.

فرض دوم: پاکستان از قصد آمریکا برای کشتن ملا اختر مطلع نبوده و حملات پهپادهای آمریکا بدون اجازه و اطلاع قبلی دولت پاکستان صورت گرفته است. در یک نگاه کلی صحت این فرض بیانگر وخامت روابط پاکستان و آمریکا خواهد بود. توضیح آنکه تا قبل از هدف قرار گرفتن ملا اختر حملات پهپادهای آمریکایی به پاکستان تنها محدود به نواحی وزیرستان شمالی و جنوبی و مناطق قبایلی پاکستان بود که در چارچوب مذاکرات دوجانبه دو کشور در سال ۲۰۱۰ در خصوص محدود شدن حملات پهپادها صورت می‌گرفت. این در حالی بود که بلوچستان به عنوان یکی از نواحی پر آشوب و در عین حال مخفیگاه امن برای طالبان و دیگر گروه‌های افراط‌گرای پاکستان - که تصور می‌شود مقر شورای کویته حاکم بر طالبان نیز هست - به رغم درخواست‌های مکرر آمریکا هیچگاه هدف حملات دولت پاکستان قرار نگرفت و اجازه حمله به آن به پهپادهای آمریکا هم داده نشد. حمله آمریکا به منطقه بلوچستان برای اولین بار و بدون اجازه دولت پاکستان می‌تواند گویای پایان صبر دولت آمریکا در مقابل سیاست مماشات‌طلبی پاکستان در قبال تروریسم و حاوی این پیام مهم باشد که از این پس هیچ جای پاکستان برای تروریست‌ها امن نخواهد بود. در چنین شرایطی پاکستان از جرگه متحدان آمریکا برای مبارزه با تروریسم حذف خواهد شد و با توجه به اهمیت نقش آمریکا در موازنه بین هند و پاکستان این کشور شکست دیپلماتیک بزرگی را تجربه می‌کند. ضمن اینکه تمامیت مرزی و هوایی این کشور در آینده نیز همچنان از سوی آمریکا نقض خواهد شد.

۱. ارتباط ایران با ملا اختر: چرایی و چگونگی

یکی از مهمترین ابعاد رویداد مرگ ملا اختر که ارتباط مستقیمی با منافع ایران دارد، طرح شایعاتی مبنی بر سفر ملا اختر به ایران و مذاکره با مقامات ایران است. صرف نظر از درستی یا نادرستی این شایعات سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که جمهوری اسلامی ایران و گروه طالبان در صورت برقراری رابطه چه منافع و اهدافی را دنبال خواهند کرد؟ و آیا برقراری روابط با انگیزه‌های مورد نظر با عقلانیت و منافع ملی ایران تناسب دارد؟



با وجود آنکه مقامات ایران وجود چنین ارتباطاتی را منکر شده‌اند اما در مقابل، مقامات رسمی طالبان بر سه دیدار رسمی بین اعضای ارشد طالبان با ایران (دوبار از سوی مقامات سیاسی طالبان در دفتر قطر در ژوئن ۲۰۱۳ و می ۲۰۱۵ و بار دیگر در سال ۲۰۱۵ از سوی رهبری رئیس کمیسیون نظامی طالبان، ابراهیم صدر) صحه گذاشته‌اند.

اگرچه با توجه به تفاوت‌های ایدئولوژیک شدید بین ایران شیعی و طالبان افراط‌گرای سنی در نگاه اول همکاری و مذاکره ایران با این گروه دور از ذهن است اما نباید از نظر دور داشت که شرایط محیطی از قبیل نگرانی ایران از تبدیل طالبان به متحد عربستان در افغانستان و ترس از گسترش هرچه بیشتر داعش در این کشور از قدرت لازم برای سوق دادن ایران به مذاکره با طالبان برخوردار هستند. در طرف مقابل نیز نگرانی طالبان از قربانی شدن به نفع داعش و تلاش برای کاستن از وابستگی خود به پاکستان می‌تواند زمینه‌ساز گرایش طالبان به ایران و حتی روسیه باشد.

بنابراین به‌رغم عدم تأیید چنین تعاملاتی از سوی ایران، باید در نظر داشت در شرایط کنونی عقلانیت سیاسی و توجه به منافع ملی به عنوان سرلوحه سیاست خارجی و دیپلماسی می‌تواند زمینه‌ساز برای برقراری ارتباط با گروه‌ها ملایم باشد تا از میزان خشونت‌طلبی آنها کاسته و موقعیت‌شان را در برابر گروه‌های تروریستی افراطی تقویت نمایند.

پیامدهای مرگ ملا اختر برای افغانستان و طالبان و آینده مذاکرات صلح

پس از کناررفتن احمد کرزای به عنوان رئیس جمهور سرسخت در مقابل پاکستان، به دلیل رابطه نزدیک اشرف غنی با مقامات اسلام‌آباد، سیاست دشمنی افغانستان و پاکستان تا حدی کنار گذاشته شد. در واقع اشرف غنی که طی سفر خود به پاکستان قبل از دیدار با مقامات سیاسی توانسته بود با مقامات ارتش و سازمان اطلاعات این کشور دیدار کند امیدوار بود که این مقامات از نفوذ خود بر طالبان استفاده کرده و آنها را به صلح و آرامش دعوت کنند. اما عدم تحقق وعده‌های مقامات پاکستان و افزایش شدت و دامنه ناامنی‌ها باعث چرخش در سیاست غنی نسبت به پاکستان شد. در این میان پاکستان با شرکت در کمیسیون چهارجانبه مذاکرات صلح با مشارکت چین، آمریکا و افغانستان، موظف شد تا مقامات

طالبان را به پای میز مذاکره بکشاند اما عدم جدیت پاکستان یا سرسختی ملا اختر به عنوان رهبر مخالف مذاکره و صلح تاکنون مانع از تحقق این امر شده است. پرسشی که مطرح است این است که هم‌اکنون با توجه به مرگ ملا اختر و نامشخص بودن مواضع رهبر جدید طالبان نسبت به مذاکرات صلح، آینده افغانستان و مذاکرات صلح به کجا خواهد رفت؟

در یک نگاه کلی با توجه شرایط توصیف شده برای منطقه به نظر می‌رسد سناریوهای زیر برای آینده افغانستان، طالبان و مذاکرات صلح قابل طرح است:

- وضعیت عملیات نظامی، امنیت افغانستان و دولت داخلی؛ بر اساس تجربه مرگ رهبر سابق طالبان - ملا عمر - می‌توان تصور کرد که این گروه برای نشان دادن تداوم قدرت خود پس از مرگ ملا اختر حملات خود را در نقاط مختلف کشور به روال سابق ادامه دهد. اما در عین حال می‌توان انتظار داشت با آغاز جنگ قدرت در میان رهبران آن، و تا زمانی که رهبر جدید بتواند به اقتدار و مشروعیت لازم در میان شاخه‌های مختلف طالبان دست یابد، انسجام و شدت این ناامنی‌ها کاسته شود؛ این امر تا حدودی از دامنه انتقادات نسبت به ناکارآمدی دولت غنی در امر تأمین امنیت در افغانستان خواهد کاست. تداوم این وضعیت نیز به میزان قدرت رهبر جدید بستگی دارد. البته نباید انتظار داشت که این شرایط تأثیری بر وضعیت کلی جنگ و ناامنی در افغانستان داشته باشد. در این میان دولت افغانستان می‌تواند از فرصت مرگ ملا اختر منصور برای جذب سایر رهبران طالبان که قبلاً برای شرکت در



کنونی بخش عمده سربازگیری داعش در افغانستان از میان طالبان ناراضی صورت گرفته است قابل پیش‌بینی است که آن بخش از طالبان که از انتخاب رهبر جدید یا سیاست‌های وی ناراضی هستند - به ویژه در صورتی که رهبر جدید طالبان خواهان مذاکره و صلح باشد - به داعش بپیوندند. در عین حال مرگ ملا اختر فرصتی برای آن دسته از اعضای طالبان محسوب می‌شود که خواهان مذاکره با دولت هستند.

در همین رابطه، در نظرسنجی صورت گرفته توسط پایگاه ویکی‌استار از متخصصان و کارشناسان مسائل افغانستان در خصوص تأثیر کشته‌شدن ملا اختر بر گسترش نفوذ داعش در افغانستان نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که این رویداد باعث افزایش نسبی حضور داعش در افغانستان خواهد شد.

کشته شدن ملا اختر بر توسعه نفوذ داعش در افغانستان چه تأثیری بر جای خواهد گذاشت



• مذاکرات صلح؛ همانطور که اشاره شد در صورت بروز جنگ قدرت در میان طالبان این احتمال وجود دارد که بخشی از طالبان خواهان مذاکره و بخشی دیگر مخالف با آن باشند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که وضعیت مذاکرات پیچیده و مبهم خواهد شد. حضور گروه‌های متنوع با انگیزه‌های مختلف در مذاکرات از جمله دلایل این پیچیدگی است. عامل دیگری که می‌تواند به افزایش این پیچیدگی کمک کند، اختلافات بین پاکستان و آمریکا است. توضیح آنکه این دو کشور به عنوان اعضای کمیسیون چندجانبه صلح با یکدیگر دچار اختلافاتی هستند که با حمله پهپادهای آمریکایی بر شدت آنها افزوده شده است. بر این اساس به نظر می‌رسد اختلافات داخلی این دو کشور بتواند مذاکرات صلح را دچار چالش و وقفه کند.

مذاکرات اعلام آمادگی کرده و با مخالفت ملا اختر روبه‌رو شده بودند، استفاده کند. همچنین باید توجه داشت که اگر فرض همکاری پاکستان با آمریکا در قتل ملا اختر ثابت شود این امکان وجود دارد که طالبان پاکستانی و افغانی با یکدیگر متحد شده و با همکاری القاعده به عنوان متحد جدید خود حملات شدیدی را در دو سوی مرز افغانستان و پاکستان صورت دهند. در چنین شرایطی دور جدیدی از ستیزه‌جویی در منطقه آغاز خواهد شد و مرز بین گروه‌های مختلف شبه‌نظامی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبهم خواهد شد. در هر حال این مسئله بدیهی است که مرگ رهبران گروه‌های تروریستی به تنهایی در استقرار صلح و امنیت نقشی نخواهد داشت، بلکه تغییر جهت منافع قدرت‌های مداخله‌گر در افغانستان است که می‌تواند به صلح و امنیت در افغانستان منجر شود. بنابراین در صورت تداوم سیاست‌های اوباما در سیاست خارجی دولت آینده آمریکا و تداوم رقابت‌های منطقه‌ای در افغانستان می‌توان انتظار داشت که دور جدیدی از مداخلات نظامی خارجی در این کشور - این بار با بهانه گسترش نفوذ داعش - آغاز شود.

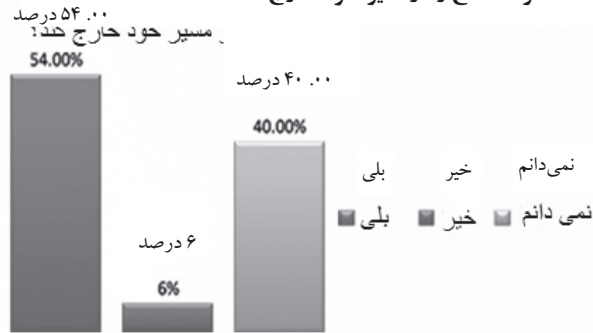
• آینده طالبان و گسترش حضور داعش در افغانستان؛ به نظر می‌رسد که با توجه به یکدست نبودن گروه طالبان و احتمال تداوم انشعاباتی که از زمان مرگ ملا عمر آغاز شده بود، جنگ قدرت جدیدی در میان اعضای طالبان آغاز شود. در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که بدنه اصلی طالبان دچار ضعف شود و شرایط برای گسترش نفوذ داعش در افغانستان فراهم آید. در واقع با توجه به اینکه در شرایط



عنوان بازیگری پویا و فعال در روندهای امنیتی افغانستان نقش ایفا کند. در این میان همانطور که اشاره شد حتی مداخله و نفوذ در روندهای مربوط به طالبان نیز می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت منافع ملی به کار گرفته شود. به عبارت دیگر در شرایطی که آمریکا به عنوان درگیرترین کشور در مبارزه نظامی با تروریسم پس از چند سال مطابق منافع ملی خود بحث مذاکره با طالبان خوب را در پیش گرفت و با گذشت زمان کشورهای افغانستان و چین و پاکستان هم به آن پیوستند، ایران نیز از این قابلیت برخوردار است تا با مفهوم‌سازی و صحنه‌گردانی تحولات کشورهای آشوب زده در همسایگی خود از جمله افغانستان تحولات را به نفع خود رقم زند. علاوه بر این مشارکت در پیمان‌های دو و چندجانبه برای جلوگیری و کاهش دامنه تهدیدات نیز می‌تواند به تأمین منافع ایران کمک کند.

در نظر سنجی صورت گرفته از سوی مرکز مطالعات پاکستان و خلیج در مورد سرنوشت مذاکرات صلح افغانستان که از مردم عادی انجام شده، حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در شرایط کنونی خارج شدن مذاکرات از مسیر اجتناب‌ناپذیر است و تنها ۶ درصد هنوز نسبت به تداوم مذاکرات صلح خوش‌بین بودند در حالی که ۴۰ درصد باقی‌مانده بین دو جواب مردد بوده و اعلام

آیا فکر می‌کنید مرگ ملا اختر رهبر طالبان می‌تواند بار دیگر مذاکرات صلح را از مسیر خود خارج کند؟



در مقابل در نظر سنجی صورت گرفته توسط ویکی‌استار اکثر تحلیل‌گران تغییر مهمی را در چشم‌انداز صلح ندیدند. از مجموع ۹۴ شرکت‌کننده در نظر سنجی ۸۱ نفر معتقد بودند که این مسئله بی‌تأثیر خواهد بود یا تأثیر اندکی بر مذاکرات صلح خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه شد مرگ رهبر طالبان به عنوان یک متغیر بسیار مهم می‌تواند به تغییر در شرایط امنیتی افغانستان - هرچند به صورت کوتاه‌مدت - منجر شود. آشکارترین وجه این تغییر احتمال بروز جنگ قدرت در میان طالبان و گرایش بخشی از طالبان به داعش است که این مسئله می‌تواند به افزایش خشونت و ترور در افغانستان و حتی گسترش آن به کشورهای همجوار منجر شود. بر همین اساس توجه به پیامدهای این رویداد و بررسی سناریوهای احتمالی که دامنه تهدیدات امنیتی ایران را به حداقل برساند، در اولویت سیاست‌گذاری خارجی خواهد بود. بر این اساس به نظر می‌رسد در پیش گرفتن سیاست انفعالی در مقابل تهدیدات برخاسته از مرزهای شرقی تناسبی با منافع ملی ندارد و با توجه به اهمیت خطر داعش و افزایش بی‌ثباتی در افغانستان، جمهوری اسلامی ایران به

